

ادامه از صفحه یک

چالش داخلی ایران و فرصت‌طلبی دموکرات‌ها

مشغول کردن تهران به یکی دو موضوع ساده از جنس همین مسائلی که گفته شد یا حتی بالاتر، اقداماتی از جنس آزادکردن منابع بلوکه‌شده ایران در کشورهایی چون کره جنوبی، علاوه‌بر اینکه خواست آمریکایی‌ها به جای لغو همه تحریم‌هاست، یک مدافع دیگر هم دارد و آن کسانی هستند که در داخل با نگاه‌های حزبی و جناحی به سیاست خارجی می‌نگرند و امیدوارند چنین اقدامات نسبتاً سهل‌الوصولی را بتوانند به فضای داخلی خیلی گران بفروشند و بهره آن را در انتخابات پیش‌رو ببرند. این مساله را احتمالاً آمریکایی‌ها هم از آن مطلع هستند و بعید نیست چشم طمع به این فرصت دوخته باشند. نکته مهم این است که امروز ایران به‌زعم بسیاری از کارشناسان در نقطه تاریخی و بسیار حساسی قرار گرفته‌است؛ نقطه‌ای که هم فرصت بزرگی را نشان می‌دهد و هم تهدید قابل توجهی را. ایران از یک‌سودر اوج تهدیدات ترامپ و فشار حداکثری توانسته فروش نفت و معیانات خود را به بالای یک میلیون بشکه برساند که این خود نشان دهنده امکان غلبه بر تحریم استست و از سوی دیگر درمقابل یک تهدید بزرگ که همان گرفتار آمدن در بازی پیچیده دموکرات‌هاست، قرار دارد و لذا برای موفقیت نیازمند یک تدبیر حساب‌شده، برنامه‌ریزی دقیق، تلاش فراوان و البته اجماع ملی است. اگر بتواند از این مقطع به سلامت و با موفقیت بگذرد، احتمالاً بخش عمده‌ای از فشارهای دوره‌ای و تاریخی را کنار خواهد زد و اساساً امکان ایجاد فشار در این سطوح و با این روش‌ها برای همیشه منتفی خواهد شد و درمقابل اگر نتواند و خدای ناکرده فریب صحنه‌آرایی غربی‌ها را بخورد، ضربه‌ای کاری‌تر از برجام دریافت خواهد کرد و این بار برای مدتی طولانی‌تر گرفتار خواهد شد و اساساً معلوم نیست دوباره و به‌سادگی بتواند از زیر فشارهای امنیتی و اقتصادی سر برآورد و محکم بایستد.

از این‌رو امروز بیش‌تر از هر زمان دیگری لازم است که مجموعه اقدامات هماهنگ، دقیق و برنامه‌ریزی شده‌ای در عرصه سیاست داخلی و خارجی برای حرکت درنظر گرفته شود که البته محور و انگاره اصلی و قطعی در همه آن‌ها حرف قطعی رهبر انقلاب استست که روز گذشته در جریان دیدار با همافران بیان شد: «آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها حاق هیچ‌گونه شرط‌گذاری ندارند، زیرا تعهدات برجامی خود را نقض کردند و آن طرفی که باید شرط بگذارد، جمهوری اسلامی است، زیرا به تعهدات خود پایبند بود. بنابراین همه ایران هنگامی به تعهدات برجامی خود بازخواهد گشت که آمریکا همه تحریم‌ها را درعمل و نه در حرف یا بر روی کاغذ، لغو کند و این لغو تحریم‌ها مورد راستی آزمایشی ایران قرار گیرد. این، سیاست قطعی و غیرقابل برگشت جمهوری اسلامی و مورد اتفاق همه مسئولان است و هیچ‌کس از آن عدول نخواهد کرد.»

❶ اگر همه تحریم‌ها رفع نشوند چه می‌شود؟
مساله رفع تحریم که اکنون به لحاظ رسانه‌ای و منطقی در افکار عمومی دارای یک پشتوانه محکم است، در دستر یک تجربه واقعی و پرهزینه شکل گرفته، تجربه‌ای که از یک‌سبو، بخشی از جامعه ایرانی را شرطی کرد و از سوی دیگر برگ صنعت هسته‌ای که ابزار اقتدار ایران بود را از روی میز کنار گذاشت و البته درمقابل همه اینها دریافتی ایران «تقریباً هیچ» بود و نه بیشتر. تکرار چنین رویه‌ی‌ای اکنون به‌مثابه یک پست‌سنگین بر اقتصاد ایران است و می‌تواند به‌طور کلی آن را از هم بپاشد.

❷ کدام تحریم و چرا؟

وجه اقتصادی ماجرا نیاز به توضیح زیادی ندارد. تحریم‌های امروز بسیار پیش‌رفته‌تر و گسترده‌تر از تحریم‌های برجامی هستند.
قریب به‌اتفاق تحریم‌های اصلی و مهم‌تگ تروریستی و حقوق بشری دارند که مانعی بسیار بزرگ برای فعالیت‌های عادی بین‌المللی ایران است. تگ تروریستی بانک مرکزی و شرکت ملی نفت با تحریم‌هایی چون کانسا حتی اجازه نخواهد داد فروش نفت یا انتقال پول از جانب بانک مرکزی برای خرید دارو و غذا صرف شود. علاوه‌بر این بسیاری از افراد و مجموعه‌های ایرانی یا همکار با ایران تک‌به‌تک و به‌تدریج ذیل تحریم‌های چندپایه قرار گرفته‌اند و رفع جداگانه یا مدت‌دار آن‌ها به هیچ عنوان شدنی نیست.
عدم رفع دفعی این تحریم‌ها خسارتی بزرگ به‌دنبال خواهد داشت و تلاش برای شکستن‌شان هم زمان خواهد برد و هم انرژی و هزینه زیاد؛ چیزی که حداقل در توان دولت کنونی ایران نیست.

اینها البته‌تصرف‌نظر از این است که مساله فروش نفت و توان انتقال پول‌های حاصل از آن، برای توسعه ایران حیاتی است و در هرحال باید انجام شود.

❸ توازن قوا باید مجدداً برقرار شود

عدم رفع تحریم علاوه‌بر چالش اقتصادی حتماًیک چالش امنیتی هم برای ایران به‌دنبال خواهد داشت. وضعیت منطقه در این سال‌ها دستخوش تغییرات شگرفی شده است. در اثر یک خیانت بزرگ به جهان اسلام حکام عرب منطقه با رژیم صهیونیستی صلح کرده‌اند و امروز از پی این توافق ننگین، در توهم پیروزی و داشتن دست برتر در منطقه هستند. آنها این روزها زیاده‌خواهی‌های عجیب‌وغریبی چون عضویت در برجام را مطرح می‌کنند یا حتی در عین ناپاوری و بدون درنظر گرفتن جایگاه خود از امکان تعرض به منافع ایران سخن می‌گویند. اینها حرف‌هایی است که اگر همین امروز پاسخ آن را نگیرند، معلوم نیست در آینده آرام بنشینند و دست از شرات بردارند. کوتاه‌آمدن ایران درمقابل آمریکا یک آفت منطقه‌ای دارد و آن هم تشدید توهم موثر بودن همین حلقه زر و زور است و اگر این اتفاق رخ دهد، در آینده شرایط برای ایران بسیار دشوار خواهد شد. توافق با آمریکا از مسیر رفع همه تحریم‌ها می‌تواند توازن قوا را دوباره برقرار کند و حد و حدود رژیم‌های یادشده را دوباره ترسیم کرده و آنها را از توهم و خودبزرگ‌بینی دور کند.

❹ کنار رفتن هسته‌ای یعنی روی میز آمدن موشکی و منطقه
نکته آخر اما از همه اینها مهم‌تر است. کوتاه آمدن در مسیری که ایران در پیش گرفته، آن‌طور که خودآمریکایی‌ها بارها بیان کرده‌اند، چه‌بمان‌رایک پله جلو خواهد انداخت و در آن مرحله است که ایران با از دست دادن توان هسته‌ای خود، این‌بار باید نتوانمندی‌های دیگری ازجمله موشکی یا نفوذ منطقه‌ای خود را روی میز بگذارد و برای رفع تحریم و فشارهای آمریکا بر سر این موضوعات مذاکره کند. تبعات این مساله البته برای همه معلوم است.

سیاست

امیر ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ایران دیگر در برابر نسیه هیچ کاری انجام نمی‌دهد



● شرط گذاشتن برای بازگشت آمریکا به برجام، تلاش برای مذاکره نکردن است

● آمریکایی‌ها اکنون در تلاش هستند که صرفاً امتیاز از ایران بگیرند و چیزی هم ندهند

● اگر آمریکا نشتسته تا فقط ایران همه کار را انجام دهد و راستی آزمایشی کند، راه به جایی نمی‌برد

● رفتن پای میز مذاکره‌ای که عربستان و رژیم صهیونیستی بیابند و ما هم موشک نداشته باشیم دیگر مذاکره نیست

مذاکره را جلوتر ببندازد. آیا انتخابات ریاست جمهوری ایران می‌تواند تسریع‌کننده این باشد که مذاکره تسریع یا به تأخیر بیفتد؟

برداشت آمریکایی‌ها این است که موضوع مناسبات با ایالات‌متحده آمریکا و مسائل پیرامونی آن مثلاً بحث هسته‌ای ذیل توافق حاکمیت بر ایران است نه اینکه براساس جهت‌گیری دولت باشد. برای همین مذاکراتی که در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد آغاز شد، بدون توجه به اینکه انتخابات چه خواهد شد، شکل گرفت، چراکه آنها معتقد هستند این کار یک اجماع حاکمیتی با مدیریت رهبر ایران و نه دولت ایران است. البته این امر می‌تواند باعث تاخیرهایی شود اما آنقدر دغدغه تغییر دولت را ندارند و می‌دانند تصمیم‌گیری به شیوه دیگری در ایران اتخاذ می‌شود و جابه‌جایی دولت‌ها هم خیلی اثر تعیین‌کننده‌ای نخواهد داشت؛

ایران و آمریکا یک دوره تنش بسیار شدیدی را پشت‌سر می‌گذارند و این تنش الزاماً برخورد نظامی نیست، ولی بحران به‌شدت رو به تزاید است و هر دو طرف احساس می‌کنند نزدیک است این به یک بحران بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی برسد و در آن نقطه امکان مصالحه وجود دارد. بنابراین من فکر می‌کنم در آن نقطه دوست داشته باشیم یا نه، بدون ورود به بازی‌ای که اسم آن را موازنه وحشت می‌گذارم، توافق جدیدی بین ایران و آمریکا حاصل نمی‌شود. اگر آمریکا احساس نکند در آستانه سقوط به پرتگاه نیست، آماده مصالحه نخواهد بود و البته این معادله دوطرفه است.

دنیس راس مشاور ویژه وزیر خارجه آمریکا که از نزدیکان تیم بایدن است چندبار تأکید داشته توافق کمتر در برابر کمتر و به‌طور مثال توقف تولید ۲۰ درصد در مقابل آزادسازی پول‌های ایران در کره یا ژاپن. شما چنین صورت‌مساله‌ای را متصور هستید؟
این بستگی به اراده دولت آمریکا دارد که آیا حاضر است مابه‌ازای همراهی ایران امتیازی بدهد یا خیر. اگر واقعا به این قائل باشد دست یافتن به یک سازوکار چندان دشوار نیست. گمانیکه در سال ۹۳-۹۲ در ژنو توافق کردند ایران یک‌سری از مواد هسته‌ای خود را کاهش می‌داد و آمریکایی‌ها هم ماهی ۷۰۰ میلیون دلار از پول ایران را آزاد کنند، از این‌رو فرمول لازم برای این اقدام وجود دارد و این‌طور نیست که نشود ولی اکنون آمریکایی‌ها این حرف را می‌زنند که به نقطه اول برگردید و بعد ما آماده مصالحه هستیم. بنابراین این رویکردی نیست که جواب بدهد.

❶ ایران دیگر در برابر نسیه هیچ کاری انجام نمی‌دهد

البته ظریف هم یک فرمول داده و در هر حال مهم این است که آمریکایی‌ها حاضر هستند یک چراغ‌سبز به ایران ارائه از صندوق بین‌المللی درخواست کرده بود را بردارند یا یک‌سری از حساب‌های ایران در کره جنوبی باز شود. به‌رحال باید یک کاری را انجام دهند تا ایران مابه‌ازای آن بگوید این کار را انجام می‌دهد ولی اگر بخواهند فقط ایران همه کار را انجام دهد و راستی آزمایشی کند و به نقطه اول بازگردد و بعد آمریکا تحریم را بردارد، به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی اکنون آماده پذیرش چنین وضعیتی باشد.

❷ اگر آمریکا نشتسته تا فقط ایران همه کار را انجام دهد و راستی آزمایشی کند، راه به جایی نمی‌برند این امر نقد بودن شامل چه مواردی خواهد بود؟

فرمول‌ها زیاد است، به‌طور مثال یک نمونه می‌تواند این باشد که آنها ممنوعیت وام پنج‌میلیارد دلاری که ایران از صندوق بین‌المللی درخواست کرده بود را بردارند یا یک‌سری از حساب‌های ایران در کره جنوبی باز شود. به‌رحال باید یک کاری را انجام دهند تا ایران مابه‌ازای آن بگوید این کار را انجام می‌دهد ولی اگر بخواهند فقط ایران همه کار را انجام دهد و راستی آزمایشی کند و به نقطه اول بازگردد و بعد آمریکا تحریم را بردارد، به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی اکنون آماده پذیرش چنین وضعیتی باشد.

❸ مصلحت آمریکا اقتضا کند بایدن با ایران به‌تفاهم برسد، فشارهای عربستان و رژیم صهیونیستی مخرب‌نیستند

فشارهای رژیم صهیونیستی یا کشورهای حاشیه خلیج فارس چقدر در بازگشت بایدن و تصمیم او موثر است ؟

اتفاق نیفتاد، لذا بازگشت آمریکا چیزی از مذاکرات اولیه برجام کم ندارد و این زمان نیاز دارد، ضمن اینکه چند ماه دیگر هم انتخابات در پیش ایران است و بعد از انتخابات ایران فصل انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا داغ می‌شود و هریک از اینها خواسته و ناخواسته‌ای را ایجاد کند؛ از این جهت نباید تصور شود این موضوع به سرعت حل و فصل شود.

❹ بحران ایران و آمریکا به‌شدت رو به تزاید است آیا می‌توان براساس اتفاقات و شرایط پیش‌بینی کرد مثلاً ممکن است ناظر به انتخابات ایران اتفاقی بیفتد یا قبل از پایان اسفندماه دولت بایدن تحولات دیگری را رقم بزند؟

من اهل پیش‌بینی نیستم؛ هرچند فاصله زمانی تا اسفند ماه زمان زیادی نیست و از این جهت احساس می‌کنم ایران و آمریکا یک دوره تنش بسیار شدیدی را پشت‌سر می‌گذارند و این تنش الزاماً برخورد نظامی نیست، ولی بحران به‌شدت رو به تزاید است و هر دو طرف احساس می‌کنند نزدیک است این به یک بحران بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی برسد و در آن نقطه امکان مصالحه وجود دارد. بنابراین من فکر می‌کنم در آن نقطه دوست داشته باشیم یا نه، بدون ورود به بازی‌ای که اسم آن را موازنه وحشت می‌گذارم، توافق جدیدی بین ایران و آمریکا حاصل نمی‌شود. اگر آمریکا احساس نکند در آستانه سقوط به پرتگاه نیست، آماده مصالحه نخواهد بود و البته این معادله دوطرفه است.

❷ ترامپ همه پیشنهادهای مذاکره از آبه‌تا مکررون را رد کرد

آیا آنچه در پایان دوره ترامپ اتفاق افتاد، همین وضعیت نبود؟
خیر در آن زمان آمریکایی‌ها از ایران و برنامه هسته‌ای آن چنین برداشتی نداشتند. من معتقد زمانی برجام تحقق پیدا کرد که ایران به این نتیجه رسید ادامه روند باعث ضعف اقتصاد می‌شود و آمریکایی‌ها هم به این نتیجه رسیدند که ادامه روند موجب دستیابی ایران به سلاح اتمی می‌شود لذا ترامپ با خروج از برجام این موازنه را به ضرر ایران به‌هم زد. تصور او این بود ایران دچار فروپاشی اقتصاد می‌شود و ناچار پای میز مذاکره می‌آید و به همین دلیل تمام درخواست‌های میانجی‌گرایانه توسط آبه، مکررون و پوتین از طرف آمریکایی‌ها رد شد، به این دلیل که آمریکا احساس نمی‌کرد در آستانه یک پرتگاه است و احساس می‌کرد ایران ظرفیت‌های کمی و کیفی را کاهش داده بود و فاصله زیادی با سلاح اتمی داشت.

❸ آمریکا معتقد است ایران ۲-۳ ماه با سلاح اتمی فاصله دارد

بنابراین آمریکایی‌ها بدون ترس پای میز مذاکره هم جمهوریخواهان و هم رژیم صهیونیستی، عربستان، اروپا، روسیه و چین را راضی نگه دارد و بعد سراغ ایران بیاید. پروژه ایران سنگین و پیچیده است به‌خصوص اینکه رویکرد ایران هم به هر دلیلی شرایط مصالحه‌آمیزی نیست و ایران به این نتیجه رسیده که باید از موضع قدرت برخورد کند و از این‌رو تعهدات هسته‌ای را کنار گذاشته است و چیزی نمانده تا بحث‌های نظارتی هم از سوی ایران نادیده گرفته شود و این شرایط را برای بایدن دشوارتر می‌کند.

❹ بازگشت آمریکا چیزی از مذاکرات اولیه برجام کم ندارد

البته به این معنی نیست که گذشت زمان کمک‌کننده نباشد اما قطعاً زمان‌بر است؛ چراکه خود برجام نیز طی ۱۲-۱۰ سال مذاکرات فشرده به دست آمد و یک‌شبه